

قدر مطلق یک توطئه

(کودتای نقاب به روایت اسناد)





گرامیداشت
چهلمین سالگرد
پیروزی انقلاب اسلامی

عنوان: قدر مطلق یک توطئه (کودتای نقاب به روایت اسناد)

تألیف: شاداب عسکری، اسماعیل قمریان معمره

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۸۱۰۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۹۴۹-۳

ISBN :978-964-419-949-3

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

ارزیاب: محمدحسن روزی‌طلب

این اثر یکی از موضوعات «طرح
تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» است
که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تهیه شده و کلیه حقوق آن برای
مرکز محفوظ می‌باشد.



فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱۵	پیشگفتار
۲۳	فصل اول: کودتا در سال‌های اول انقلاب
۲۵	آشنایی با کودتا
۲۸	کودتا در منطقه و جهان
۲۹	چرایی کودتا در سال‌های انقلاب
۳۶	کورتاژ، آخرین کودتا در حکومت پهلوی
۴۴	اولین کودتا در جمهوری اسلامی
۴۸	پی‌نوشت‌های فصل اول
۵۷	فصل دوم: بازشناسی عناصر کودتای نقاب
۵۹	دکتر شاپور بختیار - بالاترین رده‌ی کودتا
۶۳	لغو قراردادهای نظامی
۶۷	فعالیت‌های تشکیلاتی بختیار

- مباحث جانبی پیرامون بختیار ۶۹
- سرهنگ دوم محمدباقر بنی عامری - رئیس شاخه‌ی نظامی ۷۰
- منوچهر قربانی فر - مسئول شاخه‌ی تدارکات ۷۴
- پرویز قادسی - مسئول شاخه‌ی سیاسی ۷۶
- سپهد سعید (سجاد) مهدیون - مسئول نظامیان ۸۰
- سرتیپ ستاد آیت‌الله محقق - مسئول گروه پروازی ۸۲
- سرهنگ ستاد داریوش جلالی - مسئول عملیات زمینی برای گروه پروازی ۸۴
- سرهنگ ستاد امامقلی ساوه درودی - مسئول شاخه‌ی اداره‌ی دوم ۸۶
- سرهنگ ستاد هادی ایزدی - مسئول عملیات زمینی در تهران ۸۹
- سرهنگ ستاد محمدرضا زاناداری مهرنوش - عضو شورای رهبری ۹۰
- سرهنگ دوم علی فاریا - همکار مسئول عملیات زمینی در تهران ۹۲
- سرهنگ دوم ستاد رحمت‌الله خلیفه سلطانی - همکار مسئول عملیات زمینی در
تهران ۹۳
- سرگرد محسن جلالی قاجار - همکار مسئول عملیات زمینی در تهران ۹۴
- سرگرد سیروس ستوده - همکار مسئول عملیات زمینی در اهواز ۹۵
- سروان خلبان ابوالفضل نعمتی - لیدر و مسئول حمله به منزل امام خمینی ۹۶
- سروان خلبان امیدعلی بویری - لیدر و مسئول حمله به مجلس شورای اسلامی ۱۰۰
- ستوان یکم فنی ناصر رکنی - رابط بین نظامیان و غیرنظامیان با بختیار ۱۰۲
- ستوان یار سیاوش پورفهمیده - از اعضای تیم نیروی زمینی ۱۰۴
- استوار محمدمهدی حیدری - از سرتیم‌های نوهد برای حمله به پایگاه همدان ۱۰۵
- غیرنظامی خانم بی‌بی فرخ نیکبخت - رابط بین غیرنظامیان و بختیار ۱۰۷
- اطلاعات تکمیلی در خصوص سایر نظامیان ۱۰۹

۱۱۱	پی‌نوشت‌های فصل دوم
۱۳۱	فصل سوم: بازخوانی کودتا
۱۳۳	روایت گازیورسکی از کودتا
۱۳۶	روایت دوم از کودتا
۱۳۶	اولین اخبار کودتای نقاب
۱۳۷	دخالت رژیم بعث عراق در کودتا
۱۳۸	چرایی و ضرورت ارتباط
۱۴۰	چگونگی برقراری ارتباط
۱۴۵	اسناد و مدارک موجود پیرامون ارتباط
۱۵۲	دستگیری عناصر مشکوک
۱۵۵	آخرین گزارش مکتوب پیرامون کودتا
۱۵۷	یارگیری کودتاچیان
۱۶۲	استفاده از روحانیت
۱۶۶	افشای کودتا
۱۷۰	طرح عملیاتی نقاب
۱۷۴	روایتی جدید از کشف و خنثی‌سازی کودتا
۱۷۶	خنثی‌سازی کودتا
۱۷۷	خلع سلاح کودتاچیان
۱۷۸	غافلگیری کودتاچیان
۱۸۲	شهادت‌های مقابله با کودتا
۱۸۵	سرانجام کودتاچیان و خانواده‌ی آنان

- توبه‌کنندگان کودتا ۱۸۷
- اشتباهات بزرگ در خوزستان ۱۸۹
- چگونگی رفتار با کودتاچیان در خوزستان ۱۹۲
- وضعیت لشکر ۹۲ زرهی در شروع جنگ تحمیلی ۲۰۱
- پی‌نوشت‌های فصل سوم ۲۰۴
- فصل چهارم: رازها و رمزهای مغفول کودتا ۲۱۹**
- حضور بهائیان در کودتا ۲۲۱
- انضباط و رعایت سلسله‌مراتب ۲۲۴
- دیسپلین در ارتش شاهنشاهی ۲۲۵
- مستشاران آمریکایی در ایران ۲۲۹
- مستشاران آمریکایی، مداخلات و تأثیرگذاری‌ها ۲۲۹
- جایگاه و قدرت مستشاران آمریکایی ۲۳۲
- یگان‌های شرکت‌کننده در کودتا ۲۳۴
- ارزیابی یگان‌های ارتش شاهنشاهی ۲۳۴
- فعالان در «کودتای نقاب» ۲۳۸
- چگونگی انتخاب افراد کودتاچی ۲۴۳
- اداره‌ی مستشاران نظامی آمریکا در ستاد بزرگ ارتشتاران ۲۴۵
- کلام پایانی ۲۴۷
- ۱- انگیزه‌ی مالی برای کودتا ۲۴۷
- ۲- سایر انگیزه‌های کودتاچیان ۲۴۸
- ۳- ماهیت ضد دینی کودتاچیان ۲۵۰

- ۴- دلهره‌ی بیش از حد کودتاچیان در زمینه‌ی موفقیت عملیات ۲۵۲
- ۵- عوام‌فریبی طراحان کودتا ۲۵۳
- ۶- ادعاهای احزاب در ارتباط با افشای کودتا ۲۵۴
- ۷- انحلال ارتش ۲۵۵
- ۸- همراهی رژیم بعث عراق با کودتاچیان ۲۵۸
- ۹- نقش آمریکا ۲۶۱
- ۱۱- کودتا یا توطئه؟ ۲۶۵
- پی‌نوشت‌های فصل چهارم ۲۶۷
- پیوست‌ها ۲۸۹
- اسامی تعدادی از افراد شرکت‌کننده در کودتای نقاب ۲۹۹
- فهرست تفصیلی پیوست‌ها ۳۱۱
- کتابنامه ۶۴۵

مقدمه

در هر مقطع از دوران تاریخ‌ساز این کشور، همّت پژوهشگران متوجه موضوعی ویژه می‌گردد که به‌علل و دلایلی خاص اولویت می‌یابند. در لابه‌لای اسناد و مدارک تاریخ معاصر ایران، اوراقی ناخوانده به‌چشم می‌خورد که کنکاش و جستجویی مضاعف را می‌طلبند. از این اوراق گاه مدّت زمانی طولانی می‌گذرد و گاه به رویدادهایی معطوف است که به‌لحاظ کرونولوژیک چندان از ما دور نیستند. در این میان، بسیاری از حوادث و رویدادها، یا به‌دلیل برخورداری از ویژگی موضوعی و حسّاسیت تاریخی یا به‌خاطر نقشی که افرادی خاص در آنها ایفا کرده‌اند و یا ردّ پاهایی که از توطئه و مکر دشمنان پیدا و پنهان برجای مانده است، مشمول مرور زمان نمی‌شوند و از حیثه‌ی توجّه تاریخ‌نویسان و پژوهندگان خارج نمی‌گردند.

با توجّه به آنچه بیان شد، معاونت اسناد و کتابخانه‌ی این مرکز - با تمرکز بر اسناد موجود همراه با بررسی دقیق صحّت و سقم وقایع و اظهارات - مجموعه کتاب‌هایی را با همکاری صاحب‌نظران هر رشته و کارشناسانی که اغلب خود ناظر سیر حوادث و رویدادها بوده یا در آن نقش داشته‌اند، تدوین و تألیف نموده به بازار نشر عرضه می‌کند. با امید به رونق بیشتر چنین تحقیقات و آثاری، از خوانندگان نکته‌سنج انتظار داریم که دیدگاه‌ها و نظرات خود را با این مرکز در میان گذارند.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



پیشگفتار

در تیرماه ۱۳۵۹، و در شرایطی که کمتر از ۱۸ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گذشت، حرکتی نظامی-سیاسی، با مقدمه‌چینی بسیار پیچیده که هدفش تغییر نظام حکومتی جدید بود، در قالب یک کودتای نظامی با نام مستعار «نقاب»^۱ به ملت و کشور ایران تحمیل گردید. دقت در اهداف و برنامه‌های مجریان این توطئه، توجه خاص به شخصیت افرادی که برای اجرای آن انتخاب شده بودند، تلاش زیرکانه‌ای که برای آلوده‌سازی اقوام و خرده‌ملیت‌ها به‌عمل آمده بود، هدف قراردادن ارتش به مثابه نقطه‌ی قوت نظام جدید در حال تثبیت جایگاهش در میان انقلابیون بود، مخدوش نشان‌دادن جایگاه رهبری انقلاب با توجه به حمایتی که از ارتش داشت و رفتار و عملکرد ارتشیان در این ارتباط^۲ و دیگر مباحث و موضوعات طرح‌شده در این حوزه، تماماً مؤید این واقعیت است که یک قوه‌ی عاقله با بهره‌جستن از مجموع توانایی‌های اطلاعاتی و داشته‌هایی در سایر حوزه‌ها، تلاش نمود، تا یک بازی برد-برد را برای تأمین قسمت عمده‌ای از منافع خود تدارک دیده آن را اجرایی نماید. بازخوانی و بررسی قسمت عمده‌ای از اسناد و سوابق کشف و منتشرشده از این واقعه، اثبات‌کننده‌ی این واقعیت غیرقابل تردید خواهد بود.

در پس پرده‌ی این واقعه- که کودتا نامیده شده است- سه هدف مهم در نظر گرفته شده

۱. نقاب مخفف «نجات قیام انقلاب بزرگ» بود که به‌وسیله‌ی ستادی از پاریس به‌رهبری شاپور بختیار هدایت می‌شد. این کودتا، یکی از رویدادهای بسیار مهم تاریخ انقلاب اسلامی است که به‌دلیل مرکزیت اجرای آن در پایگاه شهید نوژه‌ی همدان، به اشتباه به «کودتای نوژه» معروف شده است.

۲. تمامی افرادی که تاریخ انقلاب اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار داده باشند، بلاتردید به این واقعیت مهم اذعان می‌نمایند که ساختار ارتش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فقط به‌واسطه‌ی حسن ظن و اعتماد خاص امام‌خمينی(ره) به‌کارکنان ارتش حفظ گردید. البته تعداد انقلابیونی که نظر مساعدی به ارتش نداشتند نیز کم نبود.

بود که شامل شهادت امام خمینی (ره)، براندازی جمهوری اسلامی و تضعیف یگان‌های عمده ارتش می‌گردید، اما محقق‌شدن این اهداف به‌صورت هم‌زمان میسر نبوده نتایج حاصل از آنها مرحله به مرحله دنبال می‌شد؛ به این معنا که نتیجه‌ندادن هدف نخست، هدف دوم را مورد توجه قرار می‌داد و براساس وضعیت ناشی از اجرایی‌شدن هدف اخیر، شرایط برای اجرایی‌نمودن مرحله‌ی سوم نیز مهیا می‌گردید. این اهداف آن‌چنان زیرکانه انتخاب شده بود که محقق‌شدن هر یک از آنها می‌توانست تأمین‌کننده‌ی بخش اعظمی از خواسته‌های طراحان و آمران این ماجرا در ارتباط با دولت انقلابی ایران محسوب شود. این نکته حایز اهمیت است که عدم دستیابی به نتیجه- در ارتباط با هر یک از این اهداف- نیز به‌معنای شکست کامل پروژه نبوده باز هم منافع زیادی را نصیب ایشان می‌ساخت.

آنها برنامه‌ای در دست اجرا داشتند که نتایج آن هیچ‌گاه منفی نبود؛ و به‌عبارتی دیگر می‌توان این‌چنین مفروض داشت که توطئه‌ای را داخل یک «قدر مطلق»^۱ قرار داده در انتظار نتایج حاصل از آن می‌نشستند! بدیهی است که براساس مفروضات و اصول موضوعه‌ی ریاضیات نظری، هیچ‌گاه حاصل جبری این گزاره منفی نبود.

براساس این پیش فرض، بار دیگر تمامی سوابق و مدارک موجود در این باره توسط مؤلفان کتاب مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت. نتایج مؤید این واقعیت غیرقابل انکار بود که ابهامات زیادی در این حوزه وجود دارد که تاکنون کمتر به آنها پرداخته شده است. از جمله‌ی این نتایج می‌توان به این موارد اشاره داشت:

الف) چگونه یک سرهنگ یا سرهنگ دوم ژاندارمری توانسته است دو ژنرال ارتش شاهنشاهی شامل یک سپهبد و یک سرتیپ و نیز حدود ۲۰ سرهنگ تمام و سرهنگ دوّم ارتش را تحت فرمان خود درآورد؟! چرا این عده- که تعدادی از آنان شاغل نیز بوده‌اند - در برابر یک سرهنگ دوّم ره‌اشده از خدمت ژاندارمری، سر تعظیم فرود آورده ضمن تمکین، وی را رهبر شاخه‌ی نظامی کودتا شناخته و دستورات او را اجرا کرده‌اند؟ این مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابهام مطرح درباره‌ی این کودتاست؛ چرا که با عنایت به دیسیپلین حاکم بر ارتش

۱. Absolute Value. در ریاضیات، «قدر مطلق» عددی حقیقی است که مقدار عددی آنرا بدون در نظر گرفتن علامتش محاسبه می‌نمایند. پس، قدر مطلق عددی همواره مثبت است.

شاهنشاهی و انضباط خشک و بدون «چون و چرا» در آن و همچنین تأکیدی که بر رعایت سلسله مراتب می‌شده است و از منظری دیگر، برتری عینی و ذهنی نیروهای ارتش بر پرسنل ژاندارمری، امکان این واقعیت به‌طور کامل ممتنع است.

ب) طرح کودتای نقاب از جهات مختلف حایز اهمیت است. به‌طور مثال، رهبران و غالب شرکت‌کنندگان رده‌ی دوم آن برآمده از دو بخش جامعه‌ی ایران بودند که دو قطب کاملاً متباین با یکدیگر را در مبارزات سیاسی دهه‌های پیشین تشکیل می‌دادند. این دو بخش عبارت بودند از نیروهای مسلح (ارتشیان) و ستون دیگر را ملی‌گرایان لیبرال و سکولارهای ارتش که ستون سرنگون‌شده‌ی پادشاهی در انقلاب اسلامی محسوب می‌گردید، تشکیل می‌داد. درحالی‌که ملی‌گرایان لیبرال و سکولار از جمله مخالفان سرسخت آن رژیم بودند. همبستگی و همیاری این دو بخش جامعه، در یک دوره‌ی زمانی کوتاه پس از انقلاب، تحت شرایطی که بختیار فعالیت‌های خود را تحت عنوان اپوزیسیون تازه آغاز کرده بود، چگونه توجیه‌پذیر است؟ حلقه‌ی واسط یا گم‌شده‌ی این کودتا که توانست در تیرماه ۱۳۵۹ بر بی‌اعتمادی عمیقی غلبه کند که این بخش‌ها را در گذشته از یکدیگر جدا کرده بود، کیست یا چیست؟

ج) چگونه نظامیان حکومت پهلوی که سال‌ها در نظام شاهنشاهی خدمت نموده همگان در خصوص باورهای آنها چنین استنباط و تبلیغ می‌کردند که به اصطلاح «شاه‌شناس» و «سلطنت‌طلب» اند، به زعامت و ریاست شاپور بختیار گردن نهادند که کمترین حضور را در ۲۵ سال آخر حکومت پهلوی داشته است و رهبری وی را در اجرای این طرح بسیار مهم، که در نهایت قرار بود منجر به ایجاد نوعی دیگر از حکومت جمهوری شود، پذیرفتند؟! اساساً حضور دکتر بختیار در این کودتا چگونه قابل توجیه است؟

د) افراد برای شرکت در این کودتا چگونه انتخاب و گلچین (!) شده‌اند؟ این مهم به‌طور حتم می‌بایست براساس شناختی قبلی انجام شده باشد. حال سؤال این است که آنان دارای چه سوابقی بودند؟ یا فصل مشترک دستچین‌شدگان این طرح چه مواردی را شامل می‌شده است؟ سؤال دیگر می‌تواند درباره‌ی فرد، جایگاه، سازمان، نهاد یا سرویس اطلاعاتی‌ای باشد که شناخت لازم و جامع درباره‌ی کودتاچیان - اعم از مردان یا زنان، نظامیان یا

غیرنظامیان، ارتشیان یا کارکنان یگان‌های انتظامی، کارکنان نیروی هوایی یا زمینی، شاغلان و یا رهاشدگان، ساکنان و حاضران در تهران یا سایر استان‌ها- و دیگر مباحث در این حوزه را یکجا در اختیار داشته است؟ تحت شرایط خاص حاکم بر ارتش در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، که ضد اطلاعات و ساواک نیز منحل شده بودند، کدام سازمان یا نهادی امکان گردآوری، دسترسی و بهره‌برداری از این اطلاعات را داشته به شناسایی و انتخاب افراد مورد نظر برای مشارکت در این کودتا قادر بوده است؟

ه) چه تعداد از نظامیان شرکت‌کننده در این قضیه، به‌خصوص نفراتی که در درجات بالاتری قرار داشتند (افرادی هم‌چون سرلشکر امیرفضلی، سرتیپ حسن‌آقا، سرتیپ رضا مسیح‌زاده و سرتیپ خلبان نصرالله عرفانی) که از آنان درخصوص شرکت و راهبری کودتا در داخل یا خارج از کشور یاد می‌گردد، ارتباط واقعی با کودتا داشته‌اند؟ اصولاً وضعیت شغلی نظامیان شرکت‌کننده در کودتا، در هنگام وقوع فرضی این عملیات نظامی، چگونه بود؟ اکثریت را شاغلان تشکیل می‌دادند یا رهاشدگان از خدمت؟

و) نقش اداره‌ی دوم ارتش و شاغلان در آن اداره، در هنگام وقوع فرضی کودتا افرادی همانند سرهنگ بازنشسته عطاءالله بانی‌احمدی، سرهنگ بازنشسته حسین خورشیدیان، سرهنگ امام‌قلی ساوه‌درودی، سرهنگ مجتبی شفیع‌خزانه و سرهنگ دوم حسن صدقیانی فر و مانند آنها چگونه قابل تبیین است؟

ز) اقدام سران کودتا برای راضی نمودن برخی از شخصیت‌ها به حمایت از این توطئه (که قصد آن قیام علیه یک نظام ملی-اسلامی بوده است) و تلاش برای اخذ مجوز شرعی از آقای شریعتمداری به‌عنوان مرجع تقلید چگونه قابل توجیه است؟

ح) خلبانان دستگیرشده، علت انتخاب پایگاه همدان را دور بودن آن از شهر عنوان نموده بیان داشتند که این امر باعث می‌شد بعد از افشای طرح و انجام بمباران، مردم در اقدامی واکنشی به‌سوی فرودگاه هجوم نیاورده و پایگاه مبدأ را تصرف ننمایند. با توجه به این شناخت دقیق و منطقی که آنان از مردم و هموطنان ایرانی خود داشته‌اند، آیا اساس ورود آنها به این ماجرا زیر سؤال قرار نمی‌گیرد؟ با توجه به اینکه پاسخ این سؤال در عمل مثبت است، دلیل اجرایی‌شدن این طرح چه بوده است؟

ط) کودتاچیان اعتراف نمودند مهم‌ترین اقدام در برنامه‌ی آنها بعد از جنگ روانی ایجادشده در پی بمباران اولیه، تسخیر مرکز کشور و نقاط استراتژیک آن بوده است. تحت این شرایط، انتخاب لشکر ۹۲ زرهی اهواز به‌مثابه شاخه‌ی زمینی کودتا، با توجه به بُعد مسافت و مشکلات پیش روی، چگونه قابل توجیه است؟ در ادامه‌ی پی‌جویی این سؤال مطرح است که آیا تعادلی منطقی و کارکردی بین نیروهای به‌کارگرفته‌شده با هدف کودتا-تسخیر تهران و سرنگونی حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران- وجود داشته است؟ اگر این همخوانی وجود نداشته، انتخاب نیروهای شرکت‌کننده براساس چه اهدافی قابل تبیین و پذیرفته است؟

ی) کدام یک از طوایف ایرانی شامل کرد، بلوچ، عرب، ترکمن، آذری، لر، بختیاری و قشقایی یا دیگر اقوام ساکن در ایران، با کودتاچیان همکاری و همراهی نموده‌اند؟ چگونه وارد این ماجرا شده‌اند و انگیزه‌ی آنان چه بوده است؟ مهم‌تر آنکه ارتباط و هماهنگی بین نظامیان و عشایر چگونه برقرار می‌شده است؟

یا) آیا آقای «ابوالحسن بنی‌صدر»، رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا در جریان کودتا بوده یا - مثلاً - تعاملاتی نیز با کودتاچیان داشته است؟ این ادعا چگونه قابل اثبات و توجیه است؟ احزاب و گروه‌هایی مانند حزب توده، سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق تا چه میزان از وقوع این کودتا اطلاع داشته یا با کودتاچیان در تعامل بوده‌اند؟ نقش افرادی همچون کشمیری چگونه قابل بررسی است؟

یب) روایات متعددی در خصوص چگونگی کشف و خنثی‌سازی این حرکت نظامی تاکنون مطرح شده است و افشای آن‌را شخصیت‌ها، افراد، گروه‌ها و احزاب متعددی به خود نسبت داده اقدام به ارائه‌ی تحلیل در این خصوص نموده‌اند. بیشترین گمانه‌زنی‌ها و بالاترین انگشت اتهام در خصوص افشای این کودتا متوجه حزب توده شده است؛ این مهم تا چه حد صحت دارد؟ آیا واقعیت جز این است؟ در همین ارتباط و با توجه به گذشت بیش از ۳۷ سال از خنثی‌شدن این توطئه، آیا زمان آن فرا نرسیده که روایت اصلی و اصیل این واقعه مشخص و بازگو گردد؟

یج) «کودتای نقاب» - که در افواه عمومی، به اشتباه، «کودتای نقاب» خوانده می‌شود،^۱ - در فاصله‌ی زمانی کمتر از دوماه بعد از حمله‌ی آمریکاییان به صحرای طبس صورت پذیرفته است. آیا این دو واقعه با یکدیگر مرتبطاند؟ همچنین بسیار گفته و نوشته شده که «آژانس اطلاعات مرکزی» آمریکا (موسوم به CIA^۲) به کودتای نقاب امید زیادی بسته بود و آنرا ضربه‌ی نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آنرا بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کرد. این مدعا چگونه قابل تعریف است و نقش سرویس موصوف را با کدامین دلایل و مستندات متقن، می‌توان اثبات نمود؟

ید) رفتار دولتمردان ایرانی با کودتاچیان و اعضای خانواده‌ی آنان چگونه بوده است؟ چنانچه به‌ماهیت کارکردی این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌های مشابه که از پیش طرح شده یا قابلیت طرح دارند دقت شود، این واقعیت مهم محرز می‌گردد که بین کودتاچیان هماهنگی لازم وجود نداشته است. مطالعه‌ی سوابق و اوراق بازجویی کودتاچیان یا خاطرات افرادی که متواری شده‌اند نیز بر این مهم صحه گذاشته، مشخص می‌کند که کودتاچیان نیز به فراست از ضعف و غیرقابل اجرا بودن این توطئه اطلاع کامل داشته‌اند و حتی نسبت به قابلیت اجرایی و منتج به‌نتیجه‌شدن آن بسیار مردد و ظنین بودند.^۳

در پس این ماجرا شرایطی ویژه یا یک جاذبه و حتی قدرتی که می‌توانست افکار و اراده‌ی آنان را تسخیر نماید، قرار داشته است که آنان را امیدوار به انجام این کار نموده است. مشخص کردن ابهامات، رمزگشایی از دلایل اجرایی مطرح در این حوزه و مشخص ساختن اصلی‌ترین عاملی که کودتاچیان را به مرحله‌ی اقتناع رسانده موجب تحقق این واقعه شده، مجموعه‌ی موضوعاتی به‌شمار می‌روند که همراه با یک‌سری مطالب جدید و بیان‌نشده و نیز اسامی کودتاچینی که تاکنون ذکری از آنها به میان نیامده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند،

۱. در حکومت شاهنشاهی، پایگاه سوم نیروی هوایی ارتش ایران مستقر در کبودرآهنگ همدان، «شاه‌رخ» نام داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به‌واسطه‌ی وسعت مجاهدت‌های کارکنان این پایگاه در جهت به‌ثمرنشتن انقلاب، نام «پایگاه حر» را برای آن انتخاب نمودند. در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۵۸ یک فروند جنگنده اف - ۴ که از این پایگاه با هدف مقابله با تهدیدات ضد انقلاب در کردستان، با خلبانی سرگرد محمد نوژه و ستوان یکم خلبان بشیر موسوی به پرواز درآمد، مورد هدف قرار گرفته و سقوط می‌نماید و خلبانان آن با زبان روزه به‌فیض شهادت نایل می‌گردند. به‌همین دلیل بود که نام پایگاه به «شهید نوژه» تغییر یافت. این خلبانان، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نخستین شهدای خلبان نیروی هوایی بودند.

2. Central Intelligence Agency

۳. توضیحات مبسوط و مستند به اسناد و مدارک در این خصوص، در متن کتاب خواهد آمد

در این کتاب طرح شده و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. از این رو و براساس مفاد موضوعات طرح‌شده عنوان این کتاب را «قدر مطلق یک توطئه - کودتای نقاب به روایت اسناد» انتخاب کردیم.

کتاب حاضر دارای چهار فصل است و مؤلفان تلاش کرده‌اند نسبت به رفع ابهامات مطروحه - در بالاترین سطح ممکن - اقدام نمایند. فصل اول که نام «کودتا در سال‌های اول انقلاب» برای آن برگزیده شده است، به کلیات مرتبط با موضوع «کودتا» پرداخته است. در این فصل، ضمن توضیح «کودتای کورتاژ»، برای نخستین بار درباره‌ی نخستین کودتایی که توسط گروهی از خلبانان نیروی هوایی، حدود یک‌سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی - در سال ۱۳۵۸ - زیر نظر سرتیپ خلبان حبیب‌الله معین‌زند و سرتیپ پیاده احسان‌الله پزشک‌چپور در شرف تکوین بوده است و نیز درباره‌ی عناصر شرکت‌کننده در آن که توسط نهادهای انقلاب اسلامی دستگیر شدند، به صورت مبسوط توضیح داده شده اسناد و مدارک موجود در این ارتباط نیز ارائه می‌گردد. «بازشناسی عناصر کودتای نقاب» عنوان فصل دوم کتاب است. در این فصل تلاش شده تا شناخت مخاطبان محترم، از طریق ارائه‌ی سوابق عناصر اصلی که بیشترین مسئولیت و نقش‌آفرینی را در زمینه‌ی طرح‌ریزی و اجرای «کودتای نقاب» داشته‌اند، تکمیل شود. لازم به ذکر است که تاکنون اغلب این اسناد ارائه نشده‌اند و مؤلفان به منظور عمق‌بخشیدن به نگاه مخاطبان و افزایش شناخت جامع‌تر آنان نسبت به این کودتا، انجام این اقدام را ضروری دانسته آن‌را به نگارش درآورده‌اند.

برای سومین فصل، عنوان «بازخوانی کودتا» برگزیده شده و رویدادهای آن - از ابتدا تا مقطع دستگیری و اعترافات کودتاچیان - به صورت مشروح بیان شده است. اصلی‌ترین تمرکز در این فصل، بر ستاد خنثی‌سازی کودتا و چگونگی اقدام نیروهای ارتشی در کشف و خنثی‌سازی آن است که اقدام آنها - مستند به اسناد و مدارک - مورد توجه جدی قرار گرفته و تشریح شده است. در همین فصل، برای نخستین بار، درباره‌ی سه نفر از کارکنان ارتش که در جریان خنثی‌سازی کودتا به درجه‌ی رفیع شهادت رسیده‌اند و تنها شهدای این کودتا محسوب می‌گردند و متأسفانه تاکنون در خصوص دو تن از ایشان مطلبی نوشته نشده، سخن به میان می‌آید.

«رازها و رمزهای مغفول کودتا» عنوان فصل پایانی یا فصل چهارم کتاب است. این واقعیت قابل انکار نیست که در این کودتا نیز همانند سایر رویدادهای تاریخی، حواشی‌ای وجود داشته که به دلایل متعدد کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ حال آنکه این حاشیه‌ها از چنان ظرفیت بالایی برخوردارند که می‌توانند اصل موضوع را به‌طور جدی تحت‌الشعاع قرار دهند. از این‌رو بررسی رویدادها و موضوعات مهم مرتبط با این کودتا که زوایا و لایه‌های پنهانی آنرا شفاف می‌نمایند، در این فصل مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. به این ترتیب، شرایطی فراهم گردیده تا ضمن رفع ابهامات مختلف موجود درباره‌ی «کودتای نقاب»، واقعیت‌های تاریخی و آموزنده‌ی این رویداد مهم نیز با ملحوظ قراردادن اهدافی که طراحان اصلی کودتا آنرا دنبال می‌کرده‌اند، تبیین و جمع‌بندی گردد.

در پایان، بر خود فرض می‌دانیم که از تمامی اساتید، اندیشمندان، بزرگان، محققان، پژوهشگران، رؤسا و کارکنان محترم و خدوم مؤسسات و مراکز اسنادی، صاحبان جراید و در یک کلام، تمامی افراد حقیقی و حقوقی که برای تهیه‌ی این کتاب، به هر نحو ممکن، از دستاوردهای آنان بهره‌گیری شده و همچنین اگر همفکری، همکاری، مساعدت و همدلی آنان با مؤلفان نبود، همین مختصر نیز به سرانجام نمی‌رسید، تشکر و قدردانی ویژه بنماییم. ضمن این قدردانی، یادآور می‌شویم که سهم تعیین‌کننده با جناب آقای محمدحسن روزی‌طلب بوده و مساعدت تعدادی از مؤلفان و همکاران بسیار صمیمی آقای احمدرضا کریمی، سرهنگ بازنشسته عباسعلی ناطقی و آقایان عباس علی‌بخشی، مصطفی متانت، جواد فراهانی، محمدمهدی علیزاده و سرکار خانم مهندس آرمینا صمدی به تقدیر و سپاسگزاری مجدد نیاز دارند و امیدواریم این‌گونه همکاری‌های پژوهشی تداوم و استمرار یابد. سرانجام این کتاب را با کمال احترام و خضوع به برادر عزیزم جناب آقای مهندس شهاب عسگری تقدیم می‌نمایم.

من الله التوفیق

شاداب عسگری - بهمن‌ماه ۱۳۹۶